



اصل و منشاء سندباد نامه

سیدمحمدباقر کمال الدینی

چکیده:

معمول اکتابهایی که بیشتر مورد توجه و علاقه مردم بوده است، بیشتر هم در آنها دخل و تصرف شده است و در هر دوره و زمانی به شکلی خاص درآمده، به گونه‌ای که امروز ترجمه‌های زیادی از آنها آن هم در اشکال مختلف اعم از: مکمل و مختصر، ساده و فنی و... وجود دارد. یکی از این آثار ارزشمند ادبی، کتابی است به نام سندبادنامه که محققان درباره اصل و منشاء آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، لکن مشخص نکرده‌اند که آیا این کتاب اصل هندی دارد یا ایرانی؟ اینجانب در این مقاله، علاوه بر جمع آوری نظریات این محققان اعم از ایرانی و غیر ایرانی، نتیجه گرفته‌ام که کتاب سندبادنامه دارای منشاً ایرانی است، هر چند که ممکن است چند حکایت آن بعده‌ادر هندوستان به اصل کتاب اضافه شده باشد. همچنین سیر تاریخی این کتاب را بررسی و تحریرهای مختلف منظوم و منثور آن را نیز برای خوانندگان عزیز معرفی کرده‌ام.

است که سندباد حکیم در زمان او بود و همین کوش کتاب مکرانی‌ها را نوشت^۲. مسعودی به جای کوش، «کورش» نوشتہ است و سپس ادامه داده است که سندباد در مملکت او و به عصر او بود که کتاب هفت وزیر و معلم و غلام و زن پادشاه را برای وی تنظیم کرد که به نام سندباد معروف شد^۳. حمزه اصفهانی در تاریخ خود (ص ۳۰) و مؤلف مجلل التواریخ و القصص (صص ۹۴-۹۳) سندباد نامه را از کتابهایی دانسته‌اند که در روزگار اشکانیان ساخته‌اند^۴. حمدالله مستوفی تألیف آن را به ایرانیان نسبت می‌دهد^۵ و صاحب الذریعه آن را جمع آورده حکماء فارس می‌داند^۶. نویسنده طوطی نامه (جواهر الاسمار) این کتاب را در ردیف کلیله و دمنه و... از هندوان شمرده است^۷. مجتبی مینوی به ایرانی بودن آن اعتقاد دارد و اینکه در عهد انشیروان خسرو اول به پارسی نوشته شده بود^۸. یان ریپکا و هرمان اته در آثار خود نوشته‌اند که کتاب سندبادنامه در اصل از هند یا ایران زمان ساسانی مایه گرفته

یکی از گنجینه‌های با ارزش نثر فارسی، کتابی است به نام سندباد که طی قرنها و دوره‌های گذشته با نامهای مختلفی چون کتاب سندباد حکیم، داستان هفت وزیر و... نامیده شده و امروز که با نام سندبادنامه در دسترس ما قرار گرفته است، کتابی است در آداب کشورداری و رفتار با رعیت و از حیث ترکیب و ساختمان شبیه کلیله و دمنه یعنی یک داستان اصلی که ضمن آن حکایتها و قصص دیگری نیز می‌آید. درباره اینکه اصل داستان سندباد از ایران بوده یا هندوستان، نظریات مختلفی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: این ندیم در کتاب الفهرست نوشته که کتاب سندباد در دوره‌یافت بزرگ و کوچک موجود بوده و در انتساب تأییفش به ایرانیان و هندوها اختلاف است. مؤلف تاریخ یعقوبی در این باره می‌نویسد: «یکی از پادشاهان هند «کوش» همان پادشاهی

*دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشکده پیام نور.

بوده، لیکن اعتقاد دارد که نسخهٔ کبیر آن ازین رفته است و آنچه وجود دارد همان نسخهٔ صغير است، زیرا در روایت‌های موجود کتاب از نام اصل نشانی نیست. حال آنکه ابن النديم اصل و سندباد ناميده شدن نسخهٔ بزرگ را در يكى از دستخطهای الفهرست ثبت کرده است.^{۱۶}

همچنان نولدکه اعتقاد دارد که هفت وزير در متنهاي سرياني، اسپانيايی قديم و در مجموع در قالب عربي هم به صورتی که در هزار و يكشنب منعکس گردیده، صورت اصل داستان است و ده وزير تقليدي از آن به شمار مي‌رود.^{۱۷} اولدنبورگ بر خلاف کومپارتى و نولدکه مي‌نويسد: «هر دو روايت کتاب سندباد يعني نسخهٔ بزرگ و کوچک آن که مؤلف الفهرست در اثر خود موجود بودن آنها را خبر داده است تا به زمان ما رسيده‌اند. روايت مفصل همان نسخه‌های منظوم و منثور فارسي موجود است که در مقابل روايتهاي غربي، هفت حكايت و يك مقدمه و خاتمه بيشتر دارد و ترتيب آن استوار است و تحرير گرجي و تركي اثر از آن به وجود آمده است و روايت مختصر همان تحرير سرياني، يوناني، اسپانيايی و عربي است که

سرچشممه تحرير و ترجمه‌های بسيار شده است.^{۱۸}

چنانکه قبلابيان شده نكته دوم دربارهٔ اصل و منشأ کتاب سندباد که مورد اختلاف نويسنديگان و محققان می‌باشد، مسالهٔ هندی یا ايرانی بودن اصل اين داستان است. از ميان مستشرقان، اولين کسی که هندی بودن اصل کتاب سندباد را نوشته است، لوزلر دلانشان فرانسوی است و بعد از او کسی که به تقويت اين نظریه کمر بسته است، تئودور بنفی است. لكن تا به حال کسی وجود کتابی به نام سندباد یا لا اقل کتابی که در چارچوبهٔ خود مثل سندباد باشد و اقلًا چند حكايت آن را داشته باشد، در هندوستان نشان نداده است و همهٔ کسانی که در اين باره بحث کرده‌اند، اين مساله را با تخمين و حدس بيان نموده‌اند تا اينکه در سال ۱۹۵۹

است.^۹ ادوارد براون سندبادنامه را از داستانهای هندی معرفی کرده است^{۱۰} و ذبيح الله صفا آن را ز جمله قصص قديمه هند می‌داند که به زبان پهلوی نقل شده بود و در ادبیات قبل از اسلام ايران شهرت بسيار داشت^{۱۱} و بالاخره عبدالحسين زرين کوب مي‌نويسد: «در زمرة قصه‌های مأخوذه از ادب هندی در نثر پهلوی پایان عهد ساساني کتاب کليله و دمنه و قصه سندباد نامه را باید ذکر کرد».^{۱۲}

باتوجه به آنچه ذکر شد، برای دانستن اصل و منشأ سندبادنامه باید سير تاريخي آن را به دقت پيگيري و برسی کرد و ترجمه‌های مختلف آن را با يكديگر مقاييسه نمود. جالب است بدانيم که سندباد نامه يكى از کتابهایي است که به اکثر زبانهای دنيا ترجمه شده است و از اين جهت يكى از کتابهای ادبیات جهانی است به طوري که در زوايون اعتقاد دارد اين کتاب پس از انجيل دومين کتابی است که دارای ترجمه‌های زياد به زبانهای مختلف است.^{۱۳}

سندباد نامه از پارسي به سرياني، و از سرياني به يوناني ترجمه شد و در يوناني به نام سينتني پاس معروف گردید. همچنان به زبان عربي و از عربي به لاتيني نيز ترجمه شد و اين ترجمه لاتيني و يوناني در اروپا شهرت زيادي حاصل كرد و به همه زبانهای مغرب زمين ترجمه شد. از نسخهٔ پارسي که

در عهد انسيروان نوشته شده بود، ترجمه‌اي نيز به زبان عربي

منتشر گردید و آيان لاحقی آن را به نظم عربي درآورد.^{۱۴}

گفته ابن النديم مبني بر موجود بودن دو روايت بزرگ و کوچک کتاب سندباد. مورد بحث مستشرقان قرار گرفته و آنها به تحقيق در اين مساله پرداخته‌اند. کومپارتى در اين باره نوشته است: «سرمنشأ تمام تحريرهای موجود، روايت عربي بوده، حكايتهاي اضافه که در نسخهٔ منظوم فارسي موجود است، بعداً اضافه شده‌اند و نسخهٔ بزرگ سندباد نامه که مؤلف فهرست نام برده است، همین روايتهاي موجود بوده، با راه یافتن حكايتهاي دوم وزيران از نسخهٔ کوچک اثر، و سندباد کوچک از بين رفته است.^{۱۵} نولدکه در مورد منشأ عربي داشتن تحريرهای موجود کتاب سندباد، با کومپارتى متفق



سندبادنامه (ترجمه به زبان روسی)



سندبادنامه (ترجمه به زبان فرانسوی)

۸. درباره سندباد نامه، مجتبی مینوی، مقدمه سندباد نامه تصحیح آتش، انتشارات کتاب فرزان، تهران.
۹. تاریخ ادبیات ایران، ریباکا، ص ۳۲۹ و تاریخ ادبیات فارسی، اته، ص ۱۰۲.
۱۰. تاریخ ادبی ایران، ادوارد براؤن، ج ۲، ص ۲۷۹
۱۱. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، صص ۱۰۰-۹۹۹.
۱۲. نقش برآب، عبدالحسین زرین کوب، ص ۵۲.
۱۳. عاید به اصل و پیدایش کتاب سندباد، ج عزیز قل اف، ص ۱۱۳ به خط سریلیک.
۱۴. درباره سندباد نامه، مجتبی مینوی
15. Researches respecting book of D. Komparti, London, 1882
۱۶. عاید به اصل و پیدایش کتاب سندباد، ج عزیز قل اف، ص ۱۱۴ به خط سریلیک.
۱۷. مقاله نولده درباره متن ده وزیر، مقدمه بختیار نامه (المعة السراج لحضرۃ التاج)، ص ۲۲
۱۸. راجع به تحریر فارسی منتشر کتاب سندباد، س. اولدنبورگ، المظفریه، ص ۲۶۸ (به زبان روسی)
19. The origin of the book of sindbab , B.E.Perry, 59
۲۰. همان مأخذ، ص ۸۲
۲۱. تصحیح سندباد نامه ظبیری سمرقندی، دکتر سید محمد باقر کمال الدینی پایان نامه دکتری دانشگاه تهران، ص ۱۷
۲۲. همان مأخذ، ص ۱۸

تحقیقات دانشمند آمریکایی به نام پری تحت عنوان: «اصل کتاب سندباد» منتشر گردید و به این نظریه پایان داد و بر عکس ادعای نمود که اصل کتاب سندباد ایرانی است، هر چند شbahت‌هایی به داستانهای هندی دارد و ممکن است قسمت‌هایی از کتاب سندباد به نواحی از هندوستان که مسلمان نشین بوده، راه یافته، سپس حکایت‌هایی به آن افروزده‌اند.^{۱۹}

همچنین پری در این مقاله، در رد نظریه بنفی و دلیل او مبنی بر وجود نامهای هندی در کتاب سندباد نوشته است: «کورش و سندباد نامهای قدیم ایرانی هستند، نه هندی^{۲۰}» و واقعاً نیز چنین است زیرا اگر کتاب اصل هندی داشت، می‌بایست نظریه کلیله و دمنه و سایر کتابهای هندی پر از نامهای هندی باشد که اینچنین نیست. علاوه بر این پری با استناد به ساختار کتاب، دلایلی می‌آورد که نشان دهنده ایرانی بودن اصل کتاب است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. رقم هفت (هفت وزیر، هفت فیلسوف، هفت روز...)
۲. اصول جزا دادن مجرم (به مصلحت شاهزاده، موى زن را تراشیده، رویش را سیاه کرده، بر خر سیاه نشانده در شهر می‌گردانند و منادی می‌فرمایند که هر که با خواجه خود خیانت کند، جزایش این است)
۳. عقب انداختن اجرای حکم به واسطه حکایت گفتن (قياس شود با مقدمه هزار و یکشنب که مبدأ آن هزار افسانه ایرانی قدیم است).

به نظر اینجانب، بهترین وسیله برای شناخت هر کتابی، مراجعه به متن آن کتاب است و چون به سندباد نامه موجود مراجعه می‌کنیم، عبارتهای زیر را می‌بینیم که دلالت بر اصل ایرانی آن دارد:

- این کتابی است ملقب به سندباد، فراهم آورده حکماء عجم^{۲۱}
- باید دانست که این کتاب به لغت پهلوی بوده است^{۲۲}...

پی نوشتها

۱. الفهرست، محمد بن اسحاق النديم، ص ۵۴۱
۲. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ج ۱، ص ۱۱۵
۳. مروج الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۷۵
۴. بعضی از کتبترین آثار نثر فارسی، غلامحسین صدیقی، ص ۹۷
۵. تاریخ گریده، حمدالله مستوفی، ص ۹۸
۶. الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۲، ص ۲۲۵
۷. جواهرالاسمار، عماد بن محمد الثغری، به اهتمام شمس الدین آل احمد، ص ۱۵